نگاه آماری به فضاهای آموزشی در روستاهای کشور

مریم پوررضاانور و سید مسعود حسینی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در سه دهه‌ی اخیر و به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی در کل کشور خصوصاً در روستاها مد نظر مسئولان بوده بحث افزایش سواد و کاهش بی‌سوادی بوده است. برای دستیابی به این هدف فعالیت‌های متعددی انجام شد. در همین راستا سازمان نهضت سوادآموزی صرفاً برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی در کشور در همان سال‌های اولیه‌ی انقلاب و به دستور بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (ره) شکل گرفت.

با توجه به ضرورت و اهمیت آموزش و توسعه‌ی امکانات آموزشی در سراسر کشور در این مقاله به بررسی شرایط کنونی فضاهای آموزشی در مقاطع تحصیلی مختلف و روند افزایش یا کاهش این فضاها از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ پرداخته شده است.

همچنین با عنایت به این‌که یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که برای ارائه‌ی خدمات آموزشی و بهداشتی به روستاها مد نظر مسئولان کشور است تعداد خانوار می‌باشد. بر این اساس روستاهایی که تعداد خانوار بیش‌تری داشته باشند همواره در دریافت امکانات و خدمات رفاهی در اولویت به‌سر می‌برند. با عنایت به این‌که در طی سه دهه‌ی گذشته اولویت اصلی بیش‌تر برنامه‌های عمرانی، خدمات رفاهی، آموزشی و بهداشتی در روستاها داشتن حداقل ۲۰ خانوار بوده است از این رو به بررسی شاخص‌های آموزشی در روستاهای دارای ۲۰ خانوار و بیش‌تر پرداخته می‌شود.

لازم است تأکید شود این شاخص‌ها در دو مقطع زمانی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ که تنها منبع اصلی اطلاعات در این زمینه هستند بررسی شده است.

افزایش سطح سواد در مناطق روستایی در سه دهه‌ی گذشته

مقایسه‌ی میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر در سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که برنامه‌های در نظر گرفته شده برای از بین بردن بی‌سوادی در کشور به ویژه در مناطق روستایی موفقیت‌آمیز بوده است. در سال ۱۳۶۵ از مجموع جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر کل کشور فقط ۶۱/۸ درصد باسواد بوده‌اند در حالی که این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ۸۴/۸ درصد ارتقاء یافته است. بررسی وضعیت سواد در نقاط روستایی کشور (جدول ۱) نیز نشان می‌دهد در سال ۱۳۶۵ فقط ۴۸ درصد جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر باسواد بوده‌اند و این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ۷۵/۱ درصد رسیده است. در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ شاهد رشد ۲۷/۱ درصدی میزان باسوادی در مناطق روستایی کشور هستیم. در این فاصله زمانی بیش از یک چهارم جمعیت مناطق روستایی باسواد شده‌اند که می‌تواند دلیل محکمی بر موفقیت‌آمیز بودن افزایش سواد و مبارزه با بی‌سوادی در طی سه دهه‌ی گذشته در کشور باشد[1].

برای ارتقای سطح سواد در هر جامعه‌ای توسعه‌ی زیرساخت‌های آموزشی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در همین راستا و در ادامه‌ی این بخش برخی از امکانات آموزشی کشور در نقاط روستایی که نقش مهمی در توسعه‌ی زیرساخت‌های آموزشی دارند در دو مقطع زمانی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بررسی می‌شوند.

فضاهای آموزشی در روستاهای کشور از دبستان تا دبیرستان

در سال ۱۳۸۵ از مجموع آبادی‌های دارای ۲۰ خانوار و بیش‌تر کشور ۸۶ درصد (۳۲,۴۷۷ آبادی) دارای دبستان یا همان مدرسه ابتدایی بوده‌اند که این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ۸۳/۵ درصد (۳۱,۸۲۷ آبادی) کاهش یافته است. مقایسه‌ی درصد آبادی‌های برخوردار از دبستان یا مدرسه‌ی ابتدایی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که این شاخص در فاصله‌ی بین دو سرشماری و در مدت پنج سال ۲/۵- کاهش یافته است.

مریم پوررضاانور رئیس گروه سرشماری دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران است.

سید مسعود حسینی، کارشناس جمعیت و سلامت دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران است.

در خصوص دلایل کاهش تعداد دبستان‌ها و مدارس راهنمایی کشور در فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ می‌توان به موضوعات کاهش روستاها (آبادی‌ها[۲])، کاهش جمعیت در نقاط روستایی و تغییر نقاط روستایی به شهر اشاره کرد. در خصوص دلایل جمعیتی باید گفت با تغییر میزان باروری در طی سه دهه‌ی گذشته ساختار سنی جمعیت تغییر کرد به طوری که جمعیت در گروه‌های سنی پایین کاهش پیدا کرد و به تبع آن تعداد دانش‌آموزان کشور در مناطق مختلف از جمله مناطق روستایی نیز سیر نزولی را طی کرد. تعداد دانش‌آموزان در حال تحصیل مقطع ابتدایی در سال ۱۳۸۵، ۲,۰۴۲,۷۸۸ نفر و مقطع راهنمایی ۱,۳۰۳,۸۱۴ نفر بوده است در حالی که در سال ۱۳۹۰ تعداد دانش‌آموزان در حال تحصیل ابتدایی به ۱,۶۸۴,۲۷۷ نفر و مقطع راهنمایی به ۹۱۰,۸۳۳ نفر کاهش یافته است. در این شرایط مدارس بسیاری از روستاهای کشور با کمبود دانش‌آموز مواجه شد به گونه‌ای که در برخی روستاها تعداد دانش‌آموزان بسیار کم شد و دیگر نیازی به وجود دبستان احساس نشد. به دنبال این شرایط مسئولان آموزشی کشور سیاست تجمیع مدارس را در پیش گرفتند، که از این مدارس به‌عنوان مجتمع‌های آموزشی یاد می‌شود. بر اساس این سیاست، چند مدرسه یک مجتمع را تشکیل داده و توسط یک مدیر اداره می‌شود بنابراین مدارسی که تعداد دانش‌آموز آن به حد نرمال نرسیده بود را در نزدیک‌ترین مدرسه ادغام کردند. دلیل دیگر مهاجرت جمعیت از روستا به شهر است که در سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. در حال حاضر بسیاری از خانواده‌ها به دلیل کمبود امکانات از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند که در نتیجه‌ی آن بسیاری از روستاها (آبادی‌ها) خالی از سکنه شده است. دلیل دیگر تغییر روستا به شهر یا جذب روستا در شهر است، این امر نیز در کاهش تعداد آبادی‌ها مؤثر بوده است.

جدول ۱- میزان باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر بر حسب جنس در مناطق روستایی: ۱۳۶۵-۱۳۹۰

سال	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۶۵	۴۸/۰	۵۹/۶	۳۶/۰
۱۳۷۵	۶۹/۳	۷۶/۵	۶۲/۱
۱۳۸۵	۷۵/۱	۸۱/۱	۶۸/۹
۱۳۹۰	۷۵/۱	۸۰/۶	۶۹/۴

مأخذ: بررسی ویژگی‌های اجتماعی جمعیت شش ساله و بیش‌تر و رابطه‌ی آن با سطح سواد و تحصیلات در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، زمستان ۱۳۹۲، پژوهشکده‌ی آمار

بررسی تعداد و درصد آبادی‌های ۲۰ خانوار و بیش‌تر دارای مدرسه راهنمایی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در فاصله‌ی بین دو سرشماری تعداد مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه رشد داشته است اما درصد این رشد در مدارس پسرانه ۰/۳ و در مدارس دخترانه فقط ۰/۱ درصد بوده است. با وجود اینکه تعداد مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه در بین دو فاصله‌ی زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ افزایش داشته اما تعداد مدارس راهنمایی مختلط روند کاهشی داشته و در این پنج سال ۲/۲- درصد کاهش یافته است. مجموع تعداد مدارس راهنمایی کشور در سال ۱۳۸۵، ۱۹,۰۳۵ مدرسه و در سال ۱۳۹۰، ۱۸,۴۳۶ مدرسه بوده است. این جدول نشان می‌دهد که در مجموع تعداد مدارس راهنمایی کشور در دو مقطع زمانی ذکر شده کاهش یافته است.

مقایسه‌ی داده‌های جدول ۲ با جدول ۱ نشان می‌دهد که تعداد مدارس راهنمایی کشور در فاصله‌ی زمانی بین دو سرشماری ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ مانند تعداد دبستان‌های کشور روند کاهشی داشته است که این روند طبیعی است. ناگفته نماند دلایل ذکرشده در خصوص کاهش تعداد دبستان در آبادی‌ها در مورد کاهش تعداد مدارس راهنمایی نیز وجود دارد.

از مجموع آبادی‌های دارای ۲۰ خانوار و بیش‌تر در کشور در سال ۱۳۹۰، ۲,۹۹۶ آبادی (۷/۹ درصد) دارای دبیرستان پسرانه و ۲,۶۲۶ آبادی (۶/۹ درصد) هم دارای دبیرستان دخترانه بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵ نیز از کل آبادی‌های دارای ۲۰ خانوار و بیش‌تر ۲,۷۲۴ آبادی (۷/۲ درصد) دارای دبیرستان پسرانه و ۲,۶۲۱ آبادی (۶/۹ درصد) هم دارای دبیرستان دخترانه بوده‌اند. از نکات مهم این جدول این است که در مقطع دبیرستان هیچ‌گونه دبیرستان مختلطی در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در کل کشور وجود نداشته است. در طی این پنج سال تعداد دبیرستان‌های دخترانه در کشور رشد زیادی نداشته و فقط پنج عدد دبیرستان به دبیرستان‌های دخترانه اضافه شده است و این در حالی است که ۲۷۲ عدد (۰/۶ درصد) دبیرستان پسرانه به دبیرستان‌های کشور اضافه شده است که این رشد نیز اندک به نظر می‌رسد. بر اساس این جدول به نظر می‌رسد که تعداد دبیرستان‌های موجود کشور جواب‌گوی نیازهای دانش‌آموزان این مقطع بوده و در پنج سال مذکور کمبود فضای آموزشی احساس نشده است. ترکیب جمعیتی

جدول ۲- تعداد و درصد آبادی‌های ۲۰ خانوار و بیش‌تر دارای دبستان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰،

کل کشور

۱۳۸۵		۱۳۹۰		تفاوت درصد ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۵
تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۲,۴۷۷	۸۶	۳۱,۸۲۷	۸۳/۵	-۲/۵

کشور نیز مؤید این مطلب است و کاهش رشد جمعیت طی دو دهه گذشته باعث شده رشد تعداد دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان تداوم نداشته باشد. با توجه به کاهش تعداد دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی پیش‌بینی می‌شود که حتی در چند سال آتی وزارت آموزش و پرورش مجبور شود از تعداد دبیرستان‌های کشور کاسته و برخی از آن‌ها را با هم ادغام کند. لازم است مسئولان وزارت آموزش و پرورش از هم‌اکنون سیاست‌های مناسب را برای برخورد با کاهش دانش‌آموز در مقطع دبیرستان نیز اتخاذ کنند.

نتیجه‌گیری

افزایش امکانات آموزشی در هر کشوری می‌تواند منجر به افزایش سطح سواد و افزایش سطح تحصیلات شود. در کشور ایران نیز به تبع افزایش امکانات آموزشی در سه دهه‌ی گذشته، سطح سواد نیز گسترش فزاینده‌ای داشته است به گونه‌ای که در سال ۱۳۶۵ از مجموع جمعیت ۶ ساله و بیش‌تر کل کشور فقط ۶۱/۸ درصد باسواد بوده‌اند در حالی که این شاخص در سال ۱۳۹۰ به ۸۴/۸ درصد ارتقاء یافته است. توسعه‌ی فضاهای آموزشی در تمام مقاطع تحصیلی رخ داده و نتیجه‌ی آن افزایش سطح سواد و افزایش دانش‌آموختگان در مقاطع مختلف تحصیلی تا دانشگاه بوده است.

جدول ۴- تعداد و درصد آبادی‌های ۲۰ خانوار و بیش‌تر دارای دبیرستان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

شرح	۱۳۸۵		۱۳۹۰		تفاوت درصد ۱۳۹۰ نسبت به ۱۳۸۵
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
دبیرستان پسرانه	۲,۷۲۴	۷/۲	۲,۹۹۶	۷/۹	۰/۶۵
دبیرستان دخترانه	۲,۶۲۱	۶/۹	۲,۶۲۶	۶/۹	-۰/۰۵

پیشنهادها

توسعه‌ی سواد در هر جامعه‌ای در گرو توسعه‌ی فضاهای آموزشی آن جامعه است. لازم است مسئولان آموزش و سایر نهادهای متولی ارتقای سواد در جامعه از جمله سازمان نهضت سوادآموزی نسبت به توسعه و گسترش فضاهای آموزشی مورد نیاز مناطق روستایی اهتمام ویژه‌ای داشته باشند تا از یک طرف سطح سواد مناطق روستایی و به تبع آن سطح سواد کل جامعه گسترش پیدا کند و از طرفی این تسهیلات و امکانات آموزشی مانعی برای مهاجرت مردم روستا به شهر باشد. در حال حاضر شاهد هستیم که بسیاری از خانواده‌های روستایی به خاطر ادامه تحصیل فرزندان خود مجبور هستند دیار خود را ترک کرده و به شهرهای اطراف مهاجرت کنند که این موضوع باعث خالی‌شدن روستاها از سکنه می‌شود و تبعات اجتماعی منفی فراوانی به دنبال دارد.

موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت استفاده‌ی مناسب از فضاهای آموزشی فاقد دانش‌آموز است. با توجه به کاهش نرخ رشد جمعیت و تغییر ساختار سنی جمعیت و به‌تبع آن کاهش تعداد دانش‌آموز در مقاطع تحصیلی مختلف لازم است مسئولان، اماکن آموزشی که بدون دانش‌آموز هستند را رها نکرده و به نحو بهینه از آن استفاده کنند. تغییر کاربری این‌گونه اماکن آموزشی به مکان‌های ورزشی، هنری، کتابخانه و ... می‌تواند برای سایر گروه‌های سنی ساکن در مناطق روستایی مفید باشد.

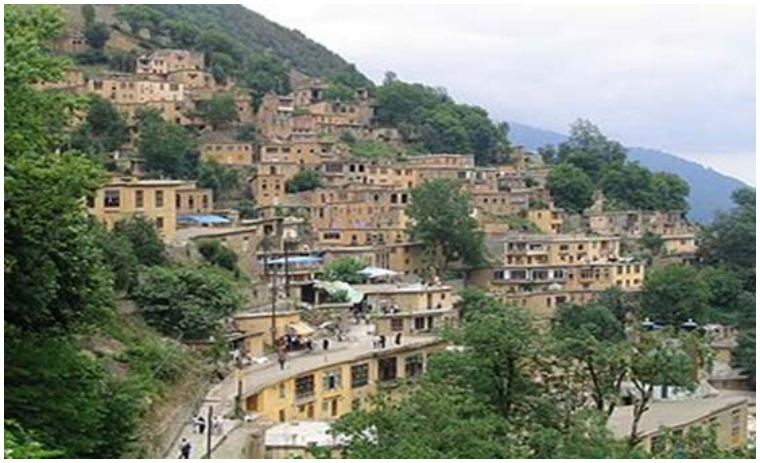

توضیحات

[1] ویژگی‌های اجتماعی جمعیت شش ساله و بیش‌تر و رابطه آن با سطح سواد و تحصیلات در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، پژوهشکده‌ی آمار، زمستان ۱۳۹۲).

[2] بر اساس تعاریف مرکز آمار ایران آبادی خارج از محدوده‌ی شهرها و دارای محدوده‌ی ثبتی یا عرفی مشخص است آبادی می‌تواند یک ده، مزرعه یک معدن و ... باشد.

مرجع‌ها

نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰

بررسی ویژگی‌های اجتماعی جمعیت شش ساله و بیش‌تر و رابطه‌ی آن با سطح سواد و تحصیلات در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰